

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۲۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۱۹۸۰۵۴۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

**چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱** • ۱۷ شعبان ۱۴۴۴ • ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۵۰۲ • ۱۲ صفحه
۱ اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۱
اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۳

# شرق

**دیالوگ روز**

**در جبهه غرب خبری نیست - ادوارد برگر - ۲۰۲۲**

پائول بومیر (فلیکس کامرر): من جوانم، بیست سال زندگی کرده‌ام. جز یاس، مرگ، هراس و خامی که در غم و حسرت مغروق است، چیز دیگری از زندگی نمی‌شناسم. به چشم خود می‌بینم که چگونه ملت‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند و برده‌وار روی‌نگاه به جان هم می‌افتند و یکدیگر را نابود می‌کنند. به چشم خود می‌بینم که متفکرترین مغزهای جهان هم خود را صرف اختراع سلاح‌های موحش می‌کنند، اینها را می‌بینیم و با آن آشنا و دست به گریبان هستیم. اگر ناگهان به پا خیزیم و کارنامه زندگی مان را به دست پدرانمان بدهیم، چه خواهند کرد؟ و روزی که جنگ به آخر برسد، از ما چه انتظاری می‌توانند داشته باشند؟ مایی که سالیان دراز شغلمان کشتن انسان‌ها بوده است. کشتن. اولین حرفه زندگی و شناخت ما از زندگی، تنها یک چیز بوده است: مرگ. بعدها چه به سرمان خواهد آمد؟ و از ما چه کاری ساخته خواهد بود؟

## ماشین خاک خورده؛ گفتمان مفلوک



پویا نعمت‌اللهی

در خبرها آمده بود که ماشین اهدایی احمدی‌نژاد به سازمان بهزیستی مدتی است که در پارکینگ این سازمان در حال خاک‌خوردن است. ماجرا بسه دوران ریاست‌جمهوری او برمی‌گردد. جایی که قرار بود پژو ۵۰۴ متعلق به وی برای ساخت مسکن معلولان به مزایده گذاشته شود. حالا مسئولان بهزیستی می‌گویند این خودرو بدون اینکه آورده‌ای برای معلولان داشته باشد، گوشه پارکینگ بهزیستی خاک می‌خورد. از سوی دیگر گویا «همشهری»، که رسانه‌ای تحت کنترل نواصولگرایان است، خبر این ماشین را به صدر اخبار آورد. اما این خبر را چگونه می‌توان تحلیل می‌کرد؟ به نظر می‌رسد رویکرد نشانه-معناشناسی گفتمانی می‌تواند توضیح مناسبی برای فهم قضیه در اختیار قرار دهد. در این رویکرد، فرایند تفهم از طریق عبور از نشانه‌شناسی ساختارگرا در ذیل نظام روانی مطالعات معنایی شکل می‌گیرد. عقیده بر این است که تولیدات زبانی تابع فرایند پیچیده‌ای هستند که عوامل نشانه-معنایی متعدد و لایه‌ای در آن دخیل هستند. این «نشانه-معناها» از خصلت سیال بودن برخوردارند که تحت نظارت و کنترل فرایند گفتمانی بروز می‌یابند. فرایند، در ابعاد متعددی تجلی پیدا می‌کند و به همین خاطر می‌توان در سطوح مختلف و لایه‌های گوناگون به سراغ این خبر رفت. به‌طورکلی هر تولید زبانی نیازمند یک سوزّه در مقام «گفته‌پرداز» و یک ابژه است که به مثابه «گفته» یا «متن زبانی» است. آن‌گاه مؤلفه «گفتمان» همانند ستونی ظاهر می‌شود که «گفته‌پرداز» و «گفته» یا یکدیگر از طریق آن مرتبط می‌شوند. در اینجا نشانه از منظر آلژزاس گرایماس نشانه‌شناس لیتوانی الاصل قابل طرح است. گرایماس مدل زبانی لمبلفز را توسعه داده و سطح بیان را «برون‌نشانه» و سطح محتوا را «درون‌نشانه» می‌نامد. آن‌گاه از مؤلفه‌های به نام «جسمانه» نام می‌برد که نوعی حضور جسم یا تجسد در فرایندی است که با احساس و ادراک گره می‌خورد و جریان «شدن» را تعیین می‌کند.

به این ترتیب، جسم به دلیل داشتن نقش مستقیم در تولید معنا، به «جسم-نشانه» تبدیل می‌شود. به همین خاطر است که در خبر مربوط به ماشین احمدی‌نژاد، تصویر یک پژوی سفید خاک‌خورده کثیف دیده می‌شود که کاپوت آن گویا در اثر ضربه بالا آمده است. در واقع تأکید بر رنگ سفید ماشین برای این است که خاک‌خوردگی یک ماشین سفید از هر رنگ دیگری مشخص‌تر و عیان‌تر است. اینجا کلیت ماشین به مثابه «جسمانه» گرایماس درمی‌آید. طبعاً معنا کنشی است که ایجاد اجتماع و ارتباط دو کلان‌نشانه-معنا را بر عهده دارد. این ارتباط از طریق حضور یک جسمانه (یعنی جسم انتزاعی سوزّه یا «گفته‌پرداز») کارسازی می‌شود. جسمانه (در اینجا همین ماشین کثیف خاک‌خورده ضربه‌دیده احمدی‌نژاد) این قابلیت را دارد که هم‌زمان به هر دو کلان‌نشانه-معنا تعلق داشته باشد، یعنی بین آنها اقدام به موضع‌گیری می‌کند. کارکرد افتراقی تصویر نیز از طریق ارائه عکسی مربوط به زمان حراج ماشین که مقارن دوران شکوه و جبروت احمدی‌نژاد بود، تمهید شده است (استندهای تبلیغات در اطراف ماشین. هر بار که ما از زاویه دید یا موضعی خاصی جهان پیرامون را واکاوی کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنیم، به باری دوباره با زبان و کثش زبانی می‌پردازیم که منشا شکل‌دهی به معناست. در واقع به باور مفسران، کارکرد گفتمانی زبان بر همین بازی پیوسته با معناهای موجود استوار است. به عبارت دیگر، حوزه تولید گفتمان، یک حوزه سرشار از حضور حسی و ادراک‌مند است که طی آن عملاً معنا بین دو نوع حضور حساس و گفتمانی گرفتار می‌شود. مخاطب قرار است با این تصاویر ابتدا نشانه‌های ظاهری پدیده‌ای به نام احمدی‌نژاد را دریافت کند و سپس بر اساس حضور هستی‌مدار آن به درک تازه‌ای



● محوهای ارتباطی شهرستان‌های کوهرنگ و بازت پس از گذشت چند روز از کولاک شدید با تلاش شبانه‌روزی نیروهای راهداری، در حال بازگشایی هستند. عکس: پایتخته‌آنیکزاد، باشگاه خبرنگاران جوان

**نقد هفته**

### مهاجرت معکوس



امیر عربی

چشم‌پزشک

اگرچه بحث مهاجرت پزشکان موضوع داغ و پربرفدار روزها و ماه‌ها و حتی سال‌های اخیر بوده است؛ ولی مهاجرت پزشکان تنها عامل اثرگذار بر سیستم درمانی کشور نیست. شاید برایتان جالب باشد بدانید که موج مهاجرت غیرپزشکان هم به شکل جالبی بر سرنوشت سیستم درمانی، بیمارستان‌ها و مطب‌ها اثر دارد. شاید در نگاه اول با خود بگویید وقتی قشر ثروتمندتر مهاجرت کنند، احتمالاً بازار پزشکان داخلی با کساد نسبی از منظر از دست دادن بیماران متمول روبه‌رو می‌شود. درحالی‌که دقیقاً برعکس است. قضیه از این قرار است که وقتی فردی به کشور دیگری مهاجرت می‌کند، با یک چالش آبدی و بزرگ مواجه می‌شود. این چالش چیزی نیست جز گرانی و غیرکارآمدبودن خدمات پزشکی سایر کشورها. یعنی مثلاً همین ترکیه مجاور خودمان را در نظر بگیریم، برای یک اقدام درمانی ساده دندان‌پزشکی یا تخصص داخلی یا جراحی، اگر فرد مهاجر بلیت رفت و برگشت بگیرد و بیاید ایران و در خصوصی‌ترین و گران‌ترین مرکز ایران درمان شود، باز هم از دریافت خدمت در کشور محل اقامتش ارزان‌تر و به‌صرفه‌تر درمی‌آید. فقط بحث گرانی نیست. اگر فرد مهاجر در کشور میزبان و آمریکا اقامت داشته باشد، حتی اگر حاضر باشد قیمت خدمات گران درمانی در آن کشورها را بپردازد، اصلاً نوبت ویزیت متخصص نصیبش نمی‌شود. به‌عنوان مثال برخلاف کشور خودمان که از در و دیوارش چشم‌پزشک می‌بارد، در یک کشور غربی دریافت نوبت ویزیت چشم‌پزشک خصوصاً با زمینه تخصصی‌تر شاید بالای سه تا چهار ماه طول بکشد. تازه بارها گزارش شده که اگر ویزیت تخصصی همراه با یک اقدام تخصصی جراحی یا سربمایی همراه باشد، دوگانه هزینه بالا و در دسترس نبودن آن خدمت عملاً دریافت درمان در آن کشور را برای فرد مهاجر غیرممکن می‌کند. پس، مهاجرت موقت و معکوس بیماران ایرانی از کشورهای دیگر به داخل کشور دیر یا زود به یک پدیده نوظهور در سیستم در مان‌کشور بدل می‌شود (اگر هنوز ظهور نکرده باشد). واکنش اولیه پزشکان به این موج معکوس شامل این موارد بوده است: جداسازی لیست انتظار بیماران داخلی از بیماران مهاجر، تخصصی بخش بیشتری از ویزیت‌ها به بیماران مهاجر، گسترش دامنه تبلیغات به گروه‌ها و جوامع ایرانی خارج از کشور، ویزیت‌های آنلاین و از راه دور و دریافت مبلغ از طریق حساب بین‌المللی خود و البته دریافت دلار به جای ریال در هنگام ویزیت این بیماران در ایران.

نتیجه چه می‌شود؟ طبق معمول آن کسی که دارد و مهاجرت می‌کند و پاسپورتش بیای می‌مهر می‌خورد، در اولویت است و بر سر اطبا حلواحلوا می‌شود، آن ایرانی باقی‌مانده که یا از سفر عقیده و وطن‌پرستی یا از سسر نادری در کشور خودش مانده، تبدیل به شهروند درجه دوم می‌شود که اگر درجه‌اول‌های مهاجر ویزیتشان تمام شد، اینها هم جرمه‌ای از ناز طیب دلار دوست‌شان نوش کنند. عجیب است، اما باید بپذیریم فرهنگ طبابت ما متأثر از کلیت اقتصاد کشور به جایی رسیده است که هر اتفاقی در آن بیفتد، به شکل پروانه‌ای سودش در جیب پولدارترهاست (چه پزشک و چه بیمار) و گرد و خاکش در چشم فقیرترهاست (باز هم چه پزشک و چه بیمار).

#### صنف

**بیش از ۵ ماه از بازداشت نیلوفر حامدی و الهه محمدی روزنامه‌نگار می‌گذرد**

## بلا تکلیفی حامدی و محمدی

از اولین روزنامه‌نگاران که به خاطر اعتراضات بازداشت شدند، نیلوفر حامدی خبرنگار روزنامه «شرق» و الهه محمدی خبرنگار روزنامه هم‌میهن بود. اکنون پس از گذشت پنج ماه هنوز وضعیت پرورنده آنها مشخص نیست. در تاریخ ۱۷ آبان سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد که «پرورنده نیلوفر حامدی و الهه محمدی در شرف اتخاذ تصمیم نهایی است.»

مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه حدود ۱۱۰ روز پیش در پاسخ به پرسشی درباره اینکه دو خبرنگار «شرق» و هم‌میهن (نیلوفر حامدی و الهه محمدی) به چه اتهامی بازداشت شده‌اند؟ گفته بود: «این دو نفر به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام بازداشت شدند و با صدور قرار

بازداشت موقت در زندان هستند.» او افزود: بود:

«پرورنده در شرف تصمیم نهایی است. در این فاصله در جمع‌بندی اگر عناوین اتهامی دیگری مطرح شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اگر ثابت شود اقدامات مجرمانه‌ای انجام دادند، قطعاً رسیدگی خواهد شد.»

هفته پیش نیز مسعود ستایشی در پاسخ به این سؤال که پرورنده الهه محمدی و نیلوفر حامدی در چه وضعیتی است؟ آیا این دو نفر و خبرنگاران بازداشتی دیگر مشمول عفو اخیر شده‌اند یا خیر؟ گفت: «بنده مطرح کردم عفو معیاری است و پرورنده‌ها با معیارها

مجری



از او دست یابد. این درک تازه در دو سطح رخ می‌دهد. ابتدا سطح زبانی و دوم در سطح تصاویر است که متناظر با یک «موقعیت تئوسری خورده» بوده و طبعاً احمدی‌نژاد و گفتمان او را هدف قرار داده است. مفسران بر این عقیده هستند که نظام فرایندی که مبتنی بر رابطه بین سطوح زبانی (از حیث فرم و محتوا) است، جانشین رابطه دال و مدلول شده و باید آنها را به صورت پدیدارشناسانه نگاه کرد (نه به صورت مکانیکی). در اینجا گذار از رابطه دال و مدلولی در قالب همان جسم-نشانه اتفاق می‌افتد. برای مثال در قضیه ماشین احمدی‌نژاد، خبر مذکور بدون آن تصاویر به هیچ روی نمی‌توانست حتی کوچک‌ترین توجهی را جلب کند. در سطح زبانی از سوی دیگر مفسران بر این اعتقادند که نشانه‌گیری و دریافت در درون حوزه مشخصی شکل می‌گیرد که شاخه‌های عاملیتی (من، تو، آنها) در کنار شاخه‌های زمانی و مکانی قرار دارند که این شاخه‌ها در گفتمان ظاهر می‌شوند. اکنون تولیدکننده خبر مذکور از طریق درگیرکردن حس و ادراک مخاطب و با حضور جسمانه (پژو متعلق به احمدی‌نژاد) خواستار تحقق جریان نشانه-معنایی شده است. در واقع مرجع تولید خبر قصد دارد نشانه‌ها را در مجموعه‌های بزرگ‌تر معنایی قرار دهد. یعنی نه تنها عکس محقرانه و کثیف پژو را به میان کشیده بلکه از واژه‌ها و افعال و مودالیت‌های فعل و فاعل و نظایر آن نیز بهره می‌گیرد. اکنون نشانه‌ها بر اساس رابطه درونی و بیرونی آنها و پیوندهایی که در بافت گفتمانی فی‌مابین آنها ایجاد می‌شود، معنامند تلقی می‌شوند. اما اتفاقی خارج از تصور تولیدکننده خبر افتاد. اساسا در رویکرد مزبور، معنا مقوله‌ای شکلی از «طیف» پیدا می‌کند که اصطلاحاً «قطب‌های معنایی» نام دارند. گرایش به این درجات می‌تواند بر حسب مفصل‌بندی معنایی دچار تنوع بسیاری شود. به عبارت دیگر خبرپردازان انتظار داشتند هر دو سر طیف گفتمانی کشور (یعنی نواصولگرایان و اصلاح‌طلبان) دست به توسعه خبر زده و گفتمان احمدی‌نژادی را از همه جهات موردحمله قرار دهند. اما در واقعیت چنین اتفاقی نیفتاد. این خبر گردش زبانی پیدا نکرد و رسانه‌ها از کنار آن با بی‌تفاوتی عبور کردند. اکنون سؤال این است که چرا باید یک رسانه با مدیریت نواصولگرای این خبر را تولید کند؟ پاسخ در حوزه نمادها قرار دارد. اکنون که بحث واگذاری‌ها (ذیل عنوان مولدسازی) داغ شده است، گفتمان نواصولگرایی بر خواستار مرزبندی بین خود و گفتمان اصولگرایی احمدی‌نژادی است. نمایندگی گفتمان احمدی‌نژاد بر عهده یک اتومبیل است. یک «پژو ۵۰۴» (قدیمی و تاریخ‌مصرف‌گدشته و طبعاً هواردررفته است) که «سفید» است (یعنی خاک‌الودگی آن آشکار است. غبارآلود است. تمیز و پاک نیست). این اتومبیل «حاشیه‌های زیادی به همراه داشت» (یعنی گفتمان احمدی‌نژادی شفاف و روشن نیست). این خودرو «آورده‌ای» برای معلولان نداشته است. واژه «آورده» یا «ستاورده» هم‌خانواده است. ازاین‌رو گفتمان احمدی‌نژاد دست‌انورد‌های غیرواقعی داشته و لذا می‌توان کارنامه او را زیر سؤال برد. چه بسا اصل ماجرا از ابتدا ساختگی بوده است. این خودرو «گوشه پارکینگ» است (گفتمان احمدی‌نژاد در مرکز توجهات قرار ندارد. منزوی است و کسی ندغدغه آن را ندارد). خودرو در این گوشه از پارکینگ «خاک می‌خورد.» (یعنی تسلیم‌گذشت زمان و زمانه شده است. به عبور از خود تن داده و به امور ناچیز و حقیر نظر دارد و در معرض نابودی و فراموشی است). اما گفتمان نواصولگرایی چه ویژگی‌هایی دارد؟ پاسخ کاملاً روشن است. این گفتمان نقطه مقابل هرآن چیزی است که گفتمان احمدی‌نژاد به آن منتسب است. اما چرا این «چیزها» به طور صریح توصیف نمی‌شود؟ یک پاسخ بدبینانه این است که معنای این گفتمان اساساً هویت مستقل و آزاد نداشته و از آنجا که شکل و فرم ندارد، قابل‌شناخت نیست. در وجه خوش‌بینانه می‌توان اظهار کرد که این گفتمان می‌خواهد از طریق نقد ارزش‌های نرفته در گدراهای دلال‌کفندی به خود، تمایزبندی‌های ساختاری ایجاد کند؛ بنابراین در نزد گفتمان دولت کنونی، نباید شائبه‌ای دال بر شباهت مولدسازی و قضیه اهدای خودروی احمدی‌نژاد بیش بیاید. این دو کردار کاملاً متفاوت هستند و باید وجوه دلال‌ت‌کننده این تمایز (هم به شکل سلبی و هم ایجابی) ایجاد شود.

کارشناس است تا مشخص شود مشمول عفو شده یا خیر.

**بی‌خبری از مسارال دارآفرین**: هنوز وضعیت چند نفر از روزنامه‌نگاران فعال در شهرستان مشخص نشده است. طبق اطلاعاتی که هیئت اجرایی روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران به دست آورده است، هنوز هیچ اطلاعی از وضعیت خانم مارال دارآفرین خبرنگار لاهیجانی نیست. این خبرنگار با انتشار ویدئویی در پاییز امسال اطلاع داد که عده‌ای برای بازداشت او مراجعه کرده‌اند. از آن زمان هیچ اطلاعی از وضعیت ایشان نیست؛ هرچند برخی منابع از ادامه بازداشت او در یکی از زندان‌های رشت خبر می‌دهند.

**احمد حلبی ساز در زندان ارومیه**: همچنین این کمیته اطلاع داد که احمد حلبی‌ساز عکاس سابق خبرگزاری شینخوا که پیش‌تر به پنج سال و سپس به دو سال حبس محکوم شده است، اکنون در زندان ارومیه به سر می‌برد.

**برخی تلاش‌های نافرجام**: کمیته یکگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تلاش‌های زیادی برای دیدار با مقامات مختلف از جمله رئیس قوه قضائیه، وزیر دادگستری و نهاد‌های مختلف داشته؛ اما این دیدارها ممکن نشده است. این نهاد صنفی درصدد برآمد تا تلاش‌هایی داشته باشد؛ از جمله کمیته و هیئت اجرایی یکگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی تاکنون دیدارهایی با برخی روزنامه‌نگاران آزادشده داشته است. براساس گزارش هیئت اجرایی، از زمان شروع اعتراضات، شهریورماه ۱۴۰۱ تا به امروز، با توجه به تعداد زیاد روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده، کمیته و هیئت اجرایی به همراه برخی افراد هیئت‌مدیره و اعضای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، با روزنامه‌نگاران و عکاسانی که با قرار وثیقه آزاد شده‌اند و نیز خانواده الهه محمدی که همچنان در بازداشت است، دیدار کرده‌اند. یلدا معیری، حسین اسماعیلی، احسان پیرنانش، صبا شعردوست، میلاد فدایی، فهیمه نظری و مهدی امیریورا از جمله همکاری‌هایی هستند که این هیئت به دیدارشان رفته است. این دیدارها همچنین ادامه دارد.